

بررسی تشکیلات نظامی و جایگاه ارتش در خلافت فاطمی مصر

معصومه دهقان*

چکیده

خلافت فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق) از شاخصه‌های نظامی و سیاسی ویژه‌ای در جهان اسلام برخوردار بود. تکیه‌ی خلفای فاطمی بر سازماندهی ارتش زمینی و دریایی قدرتمند منجر به گسترده‌ی این خلافت و دستیابی به قدرت سیاسی و نظامی در رقابت با خلافت عباسی گردید. این پژوهش در صدد است تا تشکیلات نظامی و ارتش خلافت فاطمیان در مصر (۳۵۸-۵۶۷ق) را مورد ارزیابی قرار دهد. بدین منظور مقاله با هدف تحلیل و پاسخگویی به این پرسش‌ها نگاشته شده است: نهاد نظامی و ارتش خلافت فاطمی در مصر چگونه در فراز و فرود این دولت در جهان اسلام طی قرن‌های چهارم تا ششم هجری ایفای نقش کرد؟ ساختار و نهاد ارتش فاطمی براساس نیاز و الگوی حکومت‌های اسلامی چگونه شکل گرفت؟ اداره‌ی تشکیلات گسترده‌ی ارتش فاطمی بر عهده‌ی کدام نهادها بود؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ارتش فاطمی با پشتوانه‌ی تشکیلات اداری منسجم و برخوردار از تنوع قومی و نژادی از یک سو به یکی از گسترده‌ترین نهادهای نظامی در میان دولت‌های سده‌های میانه تبدیل شد و از سوی دیگر ضعف نسبی در حفظ تعادل پایدار بین گروه‌های مختلف سربازان موجب شد آن دولت همواره در معرض آشوب‌های پادگانی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: خلافت فاطمی، مصر، بربر، حجریه، ارتش، دیوان الجیش و الرواتب.

مقدمه

فاطمیان در شمال آفریقا به قدرت رسیدند و تا حد زیادی به خاطر توان جنگاوری و وفاداری یک ارتش قبیله‌ای بربر، مصر را فتح کردند. قبیله‌ی بربر کتامه، چنان به دایره‌ی قدرت خلافت نزدیک بود که تمام امور آن‌ها توسط یک دیوان ویژه از کتامیان اداره می‌شد. آن‌ها بدنه‌ی اصلی ارتش قبایلی فاطمی را تشکیل می‌دادند و امتیازات زیادی، از جمله معافیت از مالیات، دریافت می‌کردند. وفاداری آن‌ها منافع بسیاری برای فاطمیان به همراه داشت. با این حال از زمانی که ترکان بر سپاهیان خلفای عباسی تسلط یافتند، نیاز به استخدام سپاهیان تیرانداز در ارتش فاطمی به وضوح آشکار شد. به ویژه هنگامی که ارتش بربر فاطمی وارد شام گردید و با سپاهیان ترک که تیراندازان زبردستی بودند مواجه شد، به شکست تن در داد. بدین ترتیب در زمان خلیفه دوم فاطمی در مصر، العزیز بالله (حک ۸۶-۳۶۵ق/ ۹۶-۹۷۵م)، سپاهیان ترک به ارتش خلافت وارد شدند.

فاطمیان در تبدیل شدن به دولتی نظامی، با بسیاری از دولت‌های اسلامی و مسیحی دیگر در قرون وسطی شباهت دارند؛ اما در به کارگیری نیروهای متنوع نژادی و نظم و سامان بخشیدن به تشکیلات ارتش و اعتلای این نهاد به مهم‌ترین رکن حکومت، نمونه‌ای متفاوت در جهان اسلام و سده‌های میانه به شمار می‌روند. مسأله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی ساختار نظامی و جایگاه ارتش در دولت فاطمی مصر با تکیه بر نیروی زمینی و قبایلی آن و همچنین روند ورود عناصر نژادی به ارتش فاطمی و نهادهای مالی و اداری مرتبط با آن است.

پیشینه پژوهش

در مورد نقش تشکیلات نظامی خلافت فاطمیان در مصر پژوهش‌هایی از سوی مورخان عرب و محققان اروپایی انجام گرفته است. علاوه بر آن در پاره‌ای از تألیفات که در مورد خلافت و حکومت فاطمیان نگاشته شده است، می‌توان اطلاعات ارزشمندی در این زمینه به دست آورد.

از محققان عرب باید به مصطفی مشرفه (۱۹۴۸) و فؤاد سید (۱۴۱۳ق) و نیز العبادی (بی‌تا) اشاره کرد. در آثار این محققان مباحث جداگانه‌ای به تحلیل و بررسی نقش نیروهای نظامی در خلافت فاطمیان مصر اختصاص شده است. علاوه بر آن، العبادی و عبدالعزیز سالم (بی‌تا) به طور ویژه به نیروی دریایی خلافت اسلامی در مصر و شام

پرداخته‌اند و به تفصیل نیروی دریایی خلافت فاطمیان مصر را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند.

محققان اروپایی نیز آثار ارزشمندی در مورد ارتش و تشکیلات نظامی خلافت فاطمی به نگارش در آورده‌اند. از جمله (Lev 1991) در فصل‌هایی به ارتش و ناوگان دریایی در خلافت فاطمی پرداخته است. همچنین Sanders (2008) در مقاله‌ای که در جلد اول کتاب *The Cambridge History of Egypt* چاپ شده است، اطلاعات مهمی در مورد ارتش فاطمی ارائه می‌دهد. علاوه بر این Hamblin (1978) در جلد سوم *Encyclopedia of African* در مقاله‌ای به تحلیل و بررسی ارتش فاطمی در اواخر دوران این حکومت پرداخته است. همچنین Beshir (1978) در مقاله‌ی *Fatimid Military Organization* به سازماندهی سپاه فاطمی پرداخته است.

این پژوهش‌ها به جوانب گوناگونی از قدرت نظامی و تشکیلات ارتش فاطمی در مصر توجه کرده‌اند؛ اما آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، علاوه بر موارد مذکور، بررسی تأثیر سیاست فاطمیان در ساختار ارتش می‌باشد. دولت فاطمی در شمال آفریقا با ارتش قبایلی که مشخصه‌ی بافت جمعیتی شمال آفریقا بود، پیشرفت‌های چشمگیری را تجربه کرد؛ اما در هنگام ورود به مصر و لزوم رویارویی با دولت‌های مسلمان در شرق، ناچار به انجام اصلاحات وسیعی گردید. نکته‌ی دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، نظام تربیت سپاهیان مزدور وفادار به خلافت می‌باشد که در مصر قبل از این سابقه نداشت. همچنین ایجاد دیوان‌های عریض و طویل جهت اداره‌ی ارتش در نظرگاه این پژوهش قرار گرفته است. این امر به عنوان یکی از نتایج نظامی‌گری در خلافت فاطمیان قابل بحث می‌باشد. در حقیقت آنچه که عصر وزیران صاحب سیف را رقم زد از نتایج تحولات نظامی بود که خلافت آن را در دوره‌ی زمانی طولانی دنبال کرده بود.

فاطمیان و ارتش چند قومیتی

مصریان از همان آغاز فتوحات عربی از نظامی‌گری و فنون جنگی دور بوده و همیشه به کشت و زرع، تجارت و حرفه‌های مختلف مشغول بودند. بنابراین، دولت فاطمی برای دفاع از خود به مصریان تکیه نکرد و سربازان مزدور از اقوام بیگانه، مانند مغربی‌ها،

ترک‌ها، صقلی‌ها، سودانی‌ها، ارمنی‌ها، رومی‌ها و نژادهای دیگر را که جنگ بر ایشان شغلی بود که از آن ارتزاق می‌کردند، به استخدام در آوردند (العبادی و سالم، بی‌تا: ۲۶۷). چنان‌که گفته شد حکومت در ابتدای امر بر نیروی بربر مغربی استوار بود و با کمک آنان به کشور مصر وارد شد؛ به همین دلیل در عهد خلیفه المعزالدین‌الله (حک ۳۴۱-۳۶۵ق)، این بربرها بودند که پست‌های فرماندهی و اداری را به دست گرفتند. طوایف متعدد بربر با سپاه جوهر و المعز وارد مصر شدند و سپاه را همراهی کردند. هر کدام از این طایفه‌ها در منطقه‌ای که آن را برای خود مرزبندی کرده بود، استقرار یافت و در تمام دوره‌ی حکومت فاطمی در قاهره زندگی می‌کردند.

با خلافت العزیز (حک ۳۶۵-۳۸۶ ق) نفوذ بیش از حد مغربی‌های بربر به خطری جدی تبدیل شد. بنابراین، العزیز برای جلوگیری از این نفوذ به استخدام ترک‌ها و صقلی‌ها روی آورد. به گونه‌ای که دشمنی و رقابت مغربی‌ها را برانگیخت (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/ ۲۸۵-۲۸۴). در حقیقت تنوع و اختلاف در نیروهای سپاه فاطمی درگیری‌های دائمی بین طوایف مختلف را به همراه داشت. این رقابت‌ها ابتدا در اختلاف بین مغاربه^۱ و مشارقه^۲ ظهور کرد و مغربی‌ها از ترس اینکه جایگاهشان را در دولت از دست بدهند، فتنه‌ای در مخالفت با مشارقه برانگیختند که با برکنار شدن رهبرشان امین‌الدوله بن عماد در سال ۳۸۷ق/۹۹۷م و جایگزینی بَرَجوان به جای او منتهی شد. زمانی که بَرَجوان نیز در سال ۳۹۰ق/۱۰۰۰م کشته شد، ترک‌ها (مشارقه) تلاش کردند برای کسب موقعیت از دست رفته خود به طایفه بربرهای کتامة متحد شوند (فؤاد سید، ۱۴۱۳: ۲۸۰؛ طقوش، ۱۴۲۸: ۳۳۴-۳۳۳).

در دوران الحاکم بامرالله (حک ۳۸۶-۴۱۱ق) درگیری‌هایی میان بَرَجوان صقلی رئیس حزب ترک‌های صقلی و حسن بن عمار کتامی رئیس حزب مغربی‌ها در گرفت. این اختلافات منجر به پیروزی بَرَجوان و هم حزبی‌هایش گردید. در این زمان طوایف سپاه فاطمی از اقوام متعددی ترکیب یافتند که عبارت بودند از: دیلیمان، الغلمان‌الشرابیة، الغلمان‌المرتاحیه، الغلمان‌البشاریه، رومیان مزدور زویلیان، البنادین، البطالین، البرقین، العطوفیه، الجوانیه، الجودریه، المظفریه، الصنهاجیان بردگان خریدنی، المیمونیه والفرحیه (مقریزی، ۱۴۲۲: ۳/ ۲۸، ۴۱). این ترکیب‌بندی ویژه در سپاه از یک سو به اقتدار و انضباط

۱. اصطلاحی که به نیروهای بربر و مغربی اطلاق می‌شد.

۲. اصطلاحی که به نیروهای ترک اطلاق می‌گردید.

بیشتر آن انجامید و از سوی دیگر در دوره‌ی ضعف خلافت، به از هم گسیختگی سپاه منجر شد.

پس از الظاهر (حک ۴۱۱-۴۲۷ق) فرزندش المستنصر (حک ۴۲۷-۴۸۷ق) بار دیگر به سودانی‌ها روی آورد؛ زیرا مادرش کنیزی سیاه پوست از اهالی سودان بود. بنابراین تعداد بردگان را افزایش داد تا به پنجاه هزار سپاهی رسیدند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/ ۱۵۹). ناصر خسرو ترتیب سربازان و لشکر فاطمیان را در دوره‌ی خلیفه المستنصر بالله را اینگونه توصیف کرده است: «سربازان در صف‌های منظمی هر رسته پشت سر رسته دیگر حرکت می‌کردند. در مقدمه لشکر بربرها و بعد از آنان سربازان مغربی بودند. سپس ترک‌ها و فارس‌ها که به آنان شرقی گفته می‌شد و پس از آنان اهل حجاز و سودانیان بودند که به آنان برده‌های فروشی، یعنی برده‌هایی که با پول خریداری می‌شدند، گفته می‌شد» (ناصرخسرو، ۱۳۸۱: ۸۳).

با افزایش شمار ترک‌ها در نیروی نظامی فاطمی و دگرگونی در وضعیت چند قومیتی بودن ارتش توسط المستنصر، درگیری بین سپاهیان نیز بالا گرفت که به شعله‌ور شدن جنگ داخلی و هرج و مرج سیاسی در نیمه‌ی قرن پنجم هجری در دولت فاطمیان انجامید (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/ ۱۵۹). آشوب‌ها میان سپاهیان ترک و سودانی در همه‌ی نواحی کشور به گونه‌ای بود که سرانجام المستنصر برای برقراری آرامش مجبور شد از حاکم ارمنی عکا و سربازانش کمک بگیرد (حمدی المناوی، ۱۹۷۰: ۳۷).

ساختار پادگان‌ها برای آموزش بردگان ترک توسط خلفای عباسی در اواخر قرن دوم هجری ایجاد شده بود که مورد تقلید فاطمیان قرار گرفت و با عنوان نظام حجره با ساختار نظامی فاطمی هماهنگ گردید. در حجره‌ها (پادگان‌ها) بردگان نظامی ترک، آموزش تیراندازی می‌دیدند. با پیروی از الگویی که در جهان اسلام شناخته شده بود، این لشکریان ترک به زودی معروف شدند و نقشی اساسی در توسعه و قدرتمندی دولت فاطمی ایفا کردند.

این تغییرات در ترکیب ارتش معادلات قدرت را در خلافت فاطمی تغییر داد. بربرهای کتامة، حامیان اصلی ارتش، به قدر کافی از جانب قدرت در حال رشد ترکان احساس خطر می‌کردند. با این وجود در سال ۴۱۱ ق/ ۱۰۲۰م ترک‌ها و بربرهای کتامة یک ائتلاف علیه لشکریان سیاه پوست سودانی جدید الورود به ارتش تشکیل دادند. لشکریان سیاه پوست نیز شهر فسطاط را که هم سربازان ترک و هم کتامة در آن سکونت داشتند و با

مردم محلی آنجا روابط اجتماعی عمیقی برقرار کرده بودند، غارت کرده و سوزاندند. بدین ترتیب ارتش فاطمی که تا آن زمان با وجود نیروی چند قومیتی با اعمال سیاست‌های خاصی تحت کنترل قرار گرفته بود و تعادل ظریف بین عناصر مختلف آن موجب کارآمدی ارتش و ساختارمندی آن شده بود، در آستانه‌ی سال ۴۵۲ق/ ۱۰۶۰م بر هم خورد و جنگ‌های جناحی منجر به یک جنگ داخلی بین لشکریان سودانی و ترک شد. خلیفه المستنصر، ناامید و ناتوان از بازگرداندن نظم و فرمان‌پذیری، حاکم عکا، بدر الجمالی را که در سال ۴۶۶ق/ ۱۰۷۳م با ارتش خود وارد مصر شده بود، به قاهره فرا خواند (همان، ۳۷). ارتش بدر از چندین گروه با قومیت‌های مختلف، از جمله ارمنی‌ها، تشکیل شده بود. در تعیین ساختار جدید ارتش فاطمی، ارمنی‌های مسیحی که در واحدهای سواره نظام و پیاده نظام خدمت می‌کردند، بر ارتش مسلط شدند. این سربازان ارمنی هیچ وابستگی داخلی نداشتند و وفاداری آنان فقط به واسطه‌ی حمایت‌های بدرالجمالی بود. بدر همچنین تعداد زیادی از برده‌های نظامی را که از وفاداری آنان اطمینان داشت، وارد ارتش کرد.

در حقیقت فاطمیان اولین دولتی بودند که نظامی برای تربیت برده در مصر ایجاد کردند. مقریزی می‌نویسد: «ناوگان‌های فاطمی اسیران جنگی بسیاری به مصر حمل کردند» (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱۳۷۷/۱). اغلب این اسیران به مکانی به نام المناخ^۱ برده می‌شدند. مردان به اسیران قبلی افزوده شده و زنان و کودکان پس از اهداء گروهی از آنان به وزیر، به قصر خلیفه منتقل و باقی مانده‌ی آنان نیز برای کار در منازل اختصاص داده می‌شدند. اسیران خردسال را برای آموزش نوشتن، تیراندازی و تربیت نزد استادان می‌بردند. به این خردسالان ترابی گفته می‌شد و گاهی به درجات فرماندهی نیز می‌رسیدند (العبادی، بی تا: ۲۶۹).

در اواخر خلافت فاطمیان تربیت نظامی دیگری وارد ارتش چند قومیتی آن‌ها گردید که جوانان حجری نامیده می‌شدند. این نامگذاری بدان علت بود که آنان در پادگان‌هایی به نام حجر در کنار قصر خلافت در قاهره می‌زیستند. حجریه در حقیقت از فرزندان

۱. المناخ مکانی است که شتران در آن استراحت می‌کردند. فاطمیان این نام را به تعدادی نانوایی‌ها، آسیاب، خزانه‌های شهری و نظامی که در این مکان بود، داده بودند. اغلب صنعتگران و کارگران در آن اسیران جنگی اروپایی بودند که در آنجا ساکن بودند (مقریزی: ۱۴۱۶: ۲/ ۳۵۳)؛ این مکان امروزه جایگاه اسماعیلیان در قاهره امروزی می‌باشد (العبادی، بی تا: ۲۶۸).

سربازان و بردگان ترک و صقلی و امثال آنها بودند که لشکریان حکومت فاطمی را تشکیل داده بودند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۵۱). اما نمی‌توان عنوان برده را بر فرزندان آنها اطلاق کرد، زیرا آنان هیچ وقت برده نبودند. به عقیده‌ی گروهی از مورخان، حجریه در عهد خلیفه المعز از فرزندان مصریان پیشه‌ور و صنعتگر انتخاب شدند. عاملان حکومت در نواحی مختلف با خریداری کودکان، آنان را برای جنگ تربیت کرده و در نبردها به کار می‌گرفتند.

در سال ۴۸۷ق/۱۰۹۴م افضل شاهنشاه وزیر خلیفه المستعلی (حک ۴۸۷-۴۹۵ق) گروهانی جدید از غلامان به فرماندهی امیری به نام موفق تشکیل داد. تعداد این گروه به ۳ هزار نفر می‌رسید (العبادی، بی‌تا: ۲۶۹). وی برای مبارزه با صلیبیان در عسقلان این گروه را به همراه برد، اما آنان او را تنها گذاشته پراکنده شدند و ذخیره مهماتش را آتش زدند. بنابراین افضل پس از این حادثه مجبور به بازسازی سازمان این گروه شد. از نوشته مقریزی بر می‌آید که افضل از مصریان، به جای فرزندان نظامیان بیگانه استفاده کرد. اگر این روایت صحیح باشد، اقدام افضل را باید اولین تلاش در جهت بسیج نیروهای مصری از آغاز فتوحات عربی به شمار آورد (همان، ۲۷۰).

ساختار ارتش در خلافت فاطمی

الف. تقسیمات و افزار ارتش

لشکر فاطمی متشکل از فرماندهان و امیران و گروه‌های سربازان بود. تعداد سربازان سپاه فاطمی در اواخر عمر دولت به ۴۰ هزار اسب سوار و ۳۶ هزار پیاده رسید (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۷۸). ارتش به پنج بخش تقسیم می‌شد که به همین علت آن را خمیس می‌نامیدند: مقدمه، که اغلب افراد آن را سوارکاران تشکیل می‌دادند، در صف اول قرار داشتند تا حمله را آغاز کرده و راه‌ها را بشناسند. بخش دیگر قلب یا میانه‌ی لشکر بود. فرمانده اصلی لشکر بطور معمول در این بخش جای می‌گرفت تا همه سربازان او را ببینند و اوامرش را اجرا کنند و یا گاه در مقدمه لشکر جای می‌گرفت تا با برانگیختن روح حماسی سربازانش در دل دشمنان ترس بیندازد. گاهی نیز روی سکو یا تختی بلند می‌ایستاد تا بر لشکر خود اشراف داشته باشد. بخش سوم لشکر، یا گردان سوم، در سمت

۱. ر.ک: محمد مصطفی زیاده: بعض ملاحظات جدیدة فی تاریخ دولة الممالیک، مجله کلیه الآداب بالقاهرة، ج ۴، الجزء الاول، سنه ۱۹۳۶.

راست قرار می‌گرفت و میمنه نام داشت. بخش چهارم در سمت چپ بود و میسره نام داشت. این دو بخش، بخش‌های جانبی یا دو بال نامیده می‌شدند. بخش آخر در پشت لشکر قرار گرفته و ساقه الجیش نام داشت. هر یک از این گردان‌ها، امیری داشتند که به آن‌ها صاحب میمنه، صاحب میسره و... گفته می‌شد و از فرمانده اصلی دستور می‌گرفتند (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۷۴).

سپاه فاطمی از نظر مهارت در به کار بردن سلاح‌ها و خدمات در سواره نظام یا پیاده نظام کاملاً به نژاد سپاهیان خود وابسته بود. همان‌گونه که بیان گردید سواره نظام بیشتر از نیروهای بربر، ترک و ارمنی تشکیل می‌شد که هر یک در استفاده از سلاح‌های مخصوص به خود مهارت داشتند. از آن جمله بربرهای نیزه دار بودند. ترکان و ارمنیان در سوارکاری و تیراندازی مهارت داشتند. دیلمیان، سوادنیان و گروه‌هایی از بربرهای مصادمه، پیاده نظام سپاه فاطمی به شمار می‌رفتند (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۸۳). دیلمیان نیز پیاده نظام سبک اسلحه و مجهز به تیر و کمان و زوبین بودند. از سلاح‌های جمعی نیز می‌بایست از منجنیق یاد کرد و گروهی که صرف نظر از نژاد آنها به کار پرتاب شیشه‌های آکنده از نفت به سوی دشمن می‌پرداختند (دعکور، ۱۴۲۵: ۱۸۷). این سپاه در اوایل دولت فاطمی از خلیفه اطاعت می‌کرد ولی پس از تسلط بدرالجمالی و قدرت‌گیری آن‌ها فرمانده سپاه فاطمی بودند. از سیستم این سپاه اطلاع چندانی موجود نیست به جز اصطلاحاتی چون قائد اعریف و امیر^۳ (فؤاد سید، ۱۴۱۳: ۲۸۲).

فرماندهان در مراسم و تشریفات رسمی با توجه به رتبه‌ی نظامی‌شان، با علامت‌هایی مشخص می‌شدند. فرماندهان بزرگ با انداختن حلقه‌های طلا دور گردن‌هایشان مشخص می‌شدند و هر یک از آنان هزار سرباز را فرماندهی می‌کرد. پس از آنان امراء بودند که سلاح‌های نقره‌ای در دست داشتند و هر یک از آنان صد نفر سرباز را رهبری می‌کردند (الحویری، ۱۹۹۶: ۱۶۵).

از موارد قابل توجه در سپاه فاطمی این بود که هر گروه به خلیفه و یا وزیری نسبت داده می‌شدند. این امر در اواخر عصر فاطمی بیشتر نمود یافت، هرچند در سال‌های اولیه فرمانروایی در مصر نیز از آن یاد شده است. گروه‌های آمریه، الحافظیه و العاضدیه از

۱. جمع : قواد. به معنای فرمانده

۲. جمع آن عرفاء و معنای آن ؛ سرجوخه.

۳. جمع آن امراء.

گروهان‌های وابسته به خلفا و گروه وزیریه به گروهان‌های وابسته به وزیر یعقوب بن کلس بودند (قلقشندی، بی تا: ۳ / ۴۷۸؛ جمال الدین سرور، ۱۹۹۵: ۱۴۷-۱۴۸). فاطمیان در زمینه‌ی استقرار صحیح ارتش به پیشرفت‌های بسیاری دست یافتند. آن‌ها با کنار گذاشتن روش قدیمی جنگ و گریز نامنظم (چریکی)، روش جنگ ردیفی را که مانند دیواری طولانی بود، به کار گرفتند. در این روش سربازان در کنار یکدیگر برای جنگ با دشمن پیش می‌رفتند و مانند صف‌های نماز هیچ کس از ردیف خود جلو یا عقب نمی‌رفت.

هر یک از بخش‌های ارتش، مانند میمنه، قسمت‌های خاص خود را داشت. مانند لواء یا پرچم که گاهی به رنگ سبز و گاهی، مانند پرچم‌های زمان صلح، به رنگ سفید بود (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۱ / ۲۱۱؛ نویری، ۱۴۲۳: ۲۶ / ۹۱). پرچم لشکر را فرمانده حمل می‌کرد. گاهی نیز آن را به شخص دیگری می‌داد. حمل پرچم برای حامل آن افتخار بزرگی به حساب می‌آمد. پرچم فایده دیگری نیز داشت و آن هنگامی بود که از بیم آگاه شدن دشمن از مکان استقرارشان، به جای به صدا درآوردن بوق و نقره، پرچم‌ها را حرکت می‌دادند. موسیقی نیز همراه با لشکر بود، مثلاً جوهر هنگامی که وارد قاهره شد، بر طبل‌ها می‌کوبیدند و پرچم‌هایش در اهتزاز بود. این کار برای برانگیختن روح عصیبت در جان سربازان بود. خلیفه‌العزیز نیز هنگام خروج برای فتح شام پانصد عدد بوق و به همین تعداد پرچم، با خود برد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۴۹۶). از دیگر مواردی که در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها به آن اتمام داشتند، خبر رسانی و جاسوسی بود تا به وسیله‌ی آن‌ها از اطلاعات دشمن آگاه شوند، زیرا اقتضای جنگ تجسس در احوال دشمن بود (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۷۸).

در مورد پوشش سربازان در هنگام جنگ، استفاده از لباس‌های کوتاه و تنگ ترجیح داده می‌شد، زیرا جنگیدن با آن راحت تر بود. چنان که می‌دانیم در روزگار فاطمیان صنعت نساجی متحول شد. آنان از پارچه‌های مختلف و لباس‌های متنوعی چون شلوار، عبا و ... برای سربازان و نظامیان استفاده می‌کردند. منزل آنان نیز در پادگان‌ها بود. آنچه

۱. وقتی قاهره تأسیس شد، هر قبیله، منطقه‌ای را به دست گرفت که به نام آن شناخته شد. مثلاً قبیله زویله محله‌ی زویله را ساخت. گروهی از اهل برقه، محله برقیه و گروهی از رومیان محله روم را که در جهت دروازه سرخ بود، ساختند، محله روم جوانی در نزدیکی باب النصر بود. دیلمیان و ترک‌ها نیز هر یک محله مخصوص خود را بنا کردند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۷۹-۱۸۲).

از جنس خیمه و چادر و چه از جنس بناهایی که می‌ساختند (همانجا). از ویژگی‌های ارتش فاطمیان سرعت، نشاط، تحمل سختی‌ها و سبک شمردن مرگ بود و شاید این اعتقاد بیشتر مسلمانان به قضا و قدر بود که عزم آنان را در جنگ راسخ کرده بود (ابوالفداء، بی‌تا: ۴۷/۳، ۴۸).

سلاح اصلی فرمانده و سپاهیان شمشیر بود. شمشیرها با بندی که به آن حمایل گفته می‌شد و بر دوش می‌گذاشتند، به آنان وصل می‌شد. گاهی نیز آن را آویزان می‌کردند. سلاح دیگر کمان بود. تیرها نیز از چوب ساخته می‌شد. از ساده‌ترین سلاح‌های تیراندازی فلاخن و یا منجنیق بود. نیزه از دسته و پیکانی آهنین به نام سنان تشکیل می‌شد. قطعه‌ای آهن نیز در پایین آن زده می‌شد که «زج» نام داشت. روی آن را هلال قرار می‌دادند و بدین ترتیب هلال به عنوان نمادی از اسلام قرار گرفت. ترک‌ها نیز در این امر از آنان پیروی کردند. شاید دلیل نماد قرار دادن هلال این بود که شق القمر معجزه پیامبر اسلام بود، چنانکه بیزانسی‌ها نیز از عهد قسطنطین، صلیب را به عنوان نماد دین خود روی پرچم‌ها قرار دادند (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۷۴).

«حراب»، نام سلاحی دیگر کوتاه‌تر از نیزه بود. آنان در استفاده از این سلاح مهارت فراوانی داشتند. خنجر نیز سلاحی دیگر شبیه به چاقوی بزرگ بود که تیزی آن هم به شکل خمیده و هم صاف بود. سلاح دیگر تبر بود. در اصل واژه‌ای فارسی است که از آن برای قطع شاخه‌ها و هموار کردن راه‌ها استفاده می‌کردند. سپر نیز سلاح دفاعی بود که اهمیت زیادی داشت، زیرا از آهن ساخته می‌شد. کلاه خود روی سر پوشیده می‌شد. «طراق» سلاح دفاعی ساعد و «نقاب» برای دفاع از صورت بود، به گونه‌ای که کل صورت به جز چشم‌ها را می‌پوشاند. همچنین لباسی مانند زره داشتند که برای پیشگیری از ضربات بود. با سلاحی به نام «منجنیق» نیز، سنگ، آهن دیگ‌های نفت، مایعات گداخته و... روی دشمنان پرتاب می‌شد (همانجا). آنان از آتش یونانی نیز استفاده می‌کردند. نظامیانی که با این آتش سروکار داشتند، نفتی نامیده می‌شدند. سلاح‌های دیگری نیز بکار می‌رفت که در «خزانه السلاح» نگهداری می‌شد (قلقشندی، بی‌تا: ۴۷۷/۳؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/۲۵۱، ۲۶۸). ضمن این که اسب در ارتش فاطمیان کاربرد اساسی داشت. ارابه‌هایی نیز برای حمل ذخایر مورد استفاده قرار می‌گرفت. در بطری‌های شیشه‌ای نفت، گیاه صبر و بذر پوست کنده کاجیره قرار داده می‌شد و بر روی این ارابه‌ها حمل می‌گردید. این مواد

قبل از استفاده روشن و شعله‌ور می‌شد و به وسیله زنجیری پرتاب می‌گشت. پس از پرتاب در صورت برخورد با هر چیزی آتش می‌گرفت (جرجی زیدان، ۱۳۸۵: ۱/ ۱۴۱-۱۴۲).

ب. خدمات و تدارکات ارتش

لشکریان خلفای فاطمی در سپاه زمینی و نیروی دریایی خدمات ویژه‌ای داشتند. هنگامی که لشکر از خشکی به سمت سرزمین شام حرکت می‌کرد، خلیفه برای سان دیدن و خداحافظی در دیدبانی باب الفتوح می‌نشست. در این صحنه به فرمانده لشکر اجازه داده می‌شد که نزد خلیفه بیاید و لباسی تزئین شده با طلا به او هدیه داده می‌شد، آنگاه خلیفه فرمان حرکت لشکر را صادر می‌کرد (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۹۵-۲۹۶).

فاطمیان به همراه ارتش، کاتب، مترجم، قاضی و کارمندانی با خود می‌بردند تا راه را برایشان هموار کرده و در ترتیب جنگ افزارها به ایشان یاری رسانند. همچنین پزشکانی همراه با داروها و نوشیدنی‌های مورد نیاز با آنان بود تا زخمی‌ها را پانسمان کنند و به کسانی که در طول جنگ بیمار می‌شوند، امدادسانی کنند (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۷۷). در ارتش فاطمیان ورزش‌های ویژه‌ای در دوران صلح و دوران آماده‌سازی برای لشکرکشی‌ها انجام می‌شد تا آمادگی سپاهیان را بالا ببرد. پیاده روی، دو، پرش طول، پرش ارتفاع، پرتاب چله، پرتاب دیسک، پرتاب نیزه، شمشیربازی، کشتی، قایقرانی، شنا، سوارکاری و... از آن جمله بودند. به سربازان روش‌های نجات غریق و اطفاء حریق و نجات از آن، کمک‌های اولیه و روش‌های حمل مصدوم در اردوگاه‌ها آموزش داده می‌شد. رژه و بررسی وضعیت لشکر و تسلیحات را نیز هر چند وقت یکبار خود خلیفه انجام می‌داد (قلقشندی، بی تا: ۳/ ۴۸۳).

فاطمیان در تدارکات جنگ و برای حمل و نقل از استر، الاغ و شتر استفاده می‌کردند. دیوانی به نام «کراع» (سلاح چهارپا و مهمات جنگی) داشتند که چند کارمند از جمله کاتب داشت. خزانه‌ای نیز به نام خزانه «سروج» (زین‌ها) داشتند که نگهبان و متصدی مخصوص به خود را داشت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۹/۹؛ قلقشندی، بی تا: ۳/ ۴۷۷، ۴۹۶؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۲/ ۲۶۹). تدارکات جشن و حضور نظامیان نیز از دیگر موارد خدمات لشکر بود. رهجیه گروهی بودند که در کاروان‌های جشن و سرور برای خلیفه خدمت می‌کردند و گاهی در برخی از جشن‌ها در خدمت وزیر بودند (فؤادسید، ۱۴۱۳: ۲۸۴).

دیوان‌های مربوط به ارتش و تشکیلات نظامی

از موارد مهم در بررسی نظام اداری در خلافت فاطمی وجود دیوان‌های نظامی در سلسله مراتب اداری می‌باشد. نهادها و دیوان‌های خاصی اداره امور نظامی را در مصر عصر فاطمی برعهده داشتند. در رأس این دیوان‌ها خلیفه نظارت تام داشت. در این عصر اداره امور ارتش و نظام خلافت برعهده چند دیوان بود.

دیوان الجیش: ارتش بزرگ و پیچیده فاطمی به منابع اقتصادی و نهادهای اجرایی کارآمد احتیاج داشت. در این بخش از سرزمین‌های اسلامی نیز مانند بخش‌های دیگر جهان اسلام از قرن چهارم تا ششم هجری/دهم تا دوازدهم میلادی، یک قسمت عظیم از بودجه دولتی توسط دیوان جیش اداره می‌شد. این دیوان به چندین بخش تقسیم می‌شد که عهده‌دار نگهداری کامل دفاتر ثبت، توزیع حقوق و اداره‌ی زمین‌های واگذار شده به ارتش بود. شرح وظایف این دیوان بعد از قرن چهارم حاکی از دیوان‌سالاری گسترده فاطمی می‌باشد. یک بخش عهده‌دار حفظ دفاتر ثبت کامل سربازان و مأموران در تمام هنگ‌ها بود. این بخش عایدی یا حقوق سربازان را تأمین اعتبار می‌کرد. نوع لوازم هر سرباز، ظاهر فیزیکی او و مهارت‌های جنگی او در این دفاتر ثبت و از طریق سان‌ها و بازرسی‌های نظامی به روزرسانی می‌شدند (Hamblin, 1984: 37-53).

دیوان جیش اگرچه گاه به دیوان الجیش والرواتب نیز شناخته می‌شد؛ اما از آنجا که در بیشتر دوره‌ی فاطمی و همچنین در هنگام جنگ‌ها تفکیک وظایف زیادی میان دیوان جیش و دیوان رواتب بود، در این پژوهش نیز آن دو به تفکیک بررسی می‌شوند. دیوان جیش در زمان فاطمیان تجدید سازمان گردید و وظیفه داشت احوال سربازان در مصر و ولایات تابعه را شناسایی و ثبت کند. مواردی از قبیل زندگی و مرگ، بیماری و سلامتی و همچنین غیبت و حضور سربازان بایستی در فهرست‌های خاص تهیه و تنظیم می‌گردید. همچنین عملکرد سربازان در گروهان‌های مختلف، حفظ و نگهداری این فهرست‌ها و بایگانی آن‌ها از دیگر وظایف کارمندان دیوان جیش محسوب می‌شد (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۶۹). متولی دیوان جیش و یا صاحب دیوان دارای امتیاز ویژه در سلسله مراتب اداری و حکومتی بود (قلقشندی، بی‌تا: ۳/۴۹۲). این منصب مخصوص مسلمانان بود. به گفته ابن طویر متصدی دیوان الجیش را «مستوفی» می‌نامیدند که این نام در نیمه‌ی دوم خلافت فاطمی مرسوم گردید. به عقیده‌ی وی این عنوان تقلیدی از خلافت عباسی و نیز دولت سلجوقیان بود و نسبت به دیگران از مرتبه‌ای خاص برخوردار بود، چنان که در

حضور خلیفه در باب‌المجلس اجازه جلوس داشت. رؤسا و امیرانی که اطلاعات کاملی از سپاه داشتند، برای او خدمت می‌کردند (ابن طویر، ۱۴۱۲: ۸۲). از دیگر وظایف دیوان جیش تهیه تجهیزات و اداره‌ی خزانه‌های اسلحه و نیز تقسیم‌بندی سپاهیان تحت لواء خاص بود. بسیاری از نیروها در ارتش فاطمی بر اساس لواء دسته‌بندی می‌شدند. مهم‌ترین لواء، مربوط به لواء الاتراک و الدیلم، لواء‌الوزیریه، لواء‌الافضلیه، لواء‌الریحانیه و لواء‌الارمن بود که دسته‌تیراندازان ویژه ارمنی بودند (صالح، بی‌تا: ۴/ ۴۰۵).

دیوان‌الرواتب و دیوان‌المجلس: در این دیوان اسامی کارمندان نظامی و کشوری که حقوق نقدی و وجوه توزیع شده را دریافت می‌کردند، ثبت می‌گردید. کاتب و حدود ده نفر از کارمندان و موظفین زیر دست او در این دیوان مشغول خدمت بودند. در این دیوان هشت فهرست بود که حاوی تمامی دولتمردان بود. به احتمال قوی در آغاز عصر خلیفه الحافظ (۵۴۴-۵۲۴ق) این دیوان به عنوان زیرمجموعه‌ای از دیوان لشکر تغییر وضعیت داد. بعد از گذر زمان این دیوان تحت اداره‌ی دیوان‌المجلس به کار خود ادامه داد. در دیوان‌المجلس معاملات اموال و املاک انجام می‌شد (ابن طویر، ۱۴۱۲: ۶۵).

گسترده‌گی این دیوان به عنوان شاهده‌ی بر نظامی شدن رو به رشد حکومت از میانه‌ی قرن چهارم هجری به بعد قلمداد می‌شود. در اواخر قرن سوم، پادشاه‌ها هشت مرتبه در سال پرداخت می‌شد، اما نزدیک به میانه‌ی قرن چهارم، پرداخت‌ها به صورت ماهیانه صورت می‌گرفت. علاوه بر پرداخت‌های ماهیانه، سربازان ساکن در پایتخت انعام‌های مخصوصی را دریافت می‌کردند. لشکریان به طور کلی قبل از جنگ یا هنگام برتخت نشستن یک خلیفه جدید، وجوه مخصوصی را دریافت می‌کردند. در دیوان‌الرواتب نام همه‌ی مستمری‌بگیران دولت، اعم از شاغل و بازنشسته موجود بود (Sanders, 2008: 161). ثبت اسامی غلامان و بردگان نظامی نیز از وظایف دیوان‌الرواتب بود. بی‌تردید اصطلاحاتی چون صبیان‌الحجریه و الرهجیه در دیوان‌المجلس متعلق به عصر فاطمی است. همان‌گونه که اقطاع سپاهی به عصر ایوبی تعلق دارد. فؤاد سید رسوم پرداخت‌های این دیوان را در سرزمین‌های فاطمی شامل: الانفاق‌الواجب، ایجاب‌المشاهره،^۱ الاقطاع الجیشی و اقطاع‌الاعتداد بیان کرده است (فؤاد سید، ۱۴۱۳: ۲۸۳).

۱. هزینه واجب

۲. وظیفه ماهانه

الانفاق الواجب پرداخت‌های مربوط به حجریان بود که پیش‌تر ذکر شد و گروهی از غلامان مخصوص خلیفه‌های فاطمی بودند که به صورت سواره نظام نیز تربیت شده و بسیار چالاک بودند. صبیان الحجریه به عقل و شجاعت وصف می‌شدند (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۱۸/۳). اسامی گروه حجریان و همچنین گروه رهجیه در دیوان رواتب ثبت بود و پرداخت‌های آنها بر اساس وظایف تعریف شده آنان انجام می‌گردید.

گاهی اوقات حقوق‌بگیران حقوق نقدی را که جیره و سهمیه نامیده می‌شد، به دست نمی‌آوردند و ممکن بود به صورت غیر نقدی، نان یا گندم، دریافت کنند. در این حالت، همه حقوق‌بگیران به طور مساوی از نان برخوردار نمی‌شدند. گروهی از آنان دو سهم و گروهی یک و نیم سهم و گروهی یک سهم دریافت می‌کردند و این مبالغ در دیوان الرواتب قدرالجرایه نامیده شده بود (فؤاد سید، ۱۴۱۳: ۲۸۴).

ارباب الایجاب^۱ به سربازان موقتی گفته می‌شد که بعضی از کارها را در دوره‌های مشخص انجام می‌دادند. آنها در هر ماه به اندازه تعهدشان و لیاقتشان حقوق می‌گرفتند. این معامله در اصل در دیوان الجیش انجام می‌شد؛ اما بعد به دیوان الرواتب منتقل گردید. در هر منطقه‌ای نماینده‌ای از دیوان عرض، شاخه‌ای از دیوان الجیش، حضور داشت که وظیفه او اثبات صلاحیت این سربازان مستخدم در امور جنگ و ادامه داشتن خدمتشان بود و در پایان در دفتری تعداد حقوق‌بگیران آنان ثبت می‌شد و متولی دیوان رواتب به آن تکیه می‌کرد و پس از آن، فهرست را به متولی دیوان‌المال می‌داد.

دیوان رواتب همچنین حقوق ماهیانه‌ی سربازانی را که با عنوان المرکزیه استخدام شده بودند، تأمین و پرداخت می‌کرد. سربازان المرکزیه در حوادث سال ۵۰۹ق/۱۱۱۵م حضور داشتند. این سربازان در نبرد با بلدوین پادشاه فرنگ، که در این سال به فرما رسیده بود، مقاومت فراوان کردند (فؤادسید، ۱۴۱۳: ۲۸۵). مقریزی از سستی این نیروی نظامی بعد از زوال دولت فاطمی سخن گفته است (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱/۱۷۸). کاهش یا افزایش حقوق نظامیان در دیوان رواتب، گاه به درگیری میان گروه‌های مختلف نظامی منجر می‌شد. جنگ ریحانیه و جیوشیه در دوره‌ی خلیفه الحافظ (نویری، ۱۴۲۳: ۲۶/۸۹) و جنگ‌های دائم مغربی‌ها با ترک‌ها یا ترک‌ها با بردگان نمونه‌هایی از این دست بودند. بدین ترتیب عصبیت قومی و قبیله‌ای در ارتش گسترش یافت (ابن ظافر، ۱۹۷۲: ۵۳).

۱. دارندگان وظیفه

دیوان دیگری به نام عرض‌العین نیز به دیوان‌الجیش و الرواتب پیوستگی داشت و گاهی به عنوان کارگزار دیوان رواتب انجام وظیفه می‌کرد. عرض‌العین به معنای عبور دادن سپاهیان از پیش چشم است. رژه و سان دیدن سنتی قدیمی در نیروهای نظامی است. مراقبت کامل و همه جانبه از نیروها منجر به تأسیس دیوان عرض گردید که مسئولیت اصلی آن تنظیمات داخلی ارتش و پرداخت مستمری و آذوقه ارتشیان بود (شهیدی پاک، ۱۳۹۲: ۲۷۴) عمده ترین وظایف این دیوان سان دیدن از سپاه و پرداخت مستمری به سربازان بود. نام سپاهیان و وضعیت جسمانی انساب و القاب و دیگر مسائل آنها در دیوان عرض، در دفاتری به نام جرید عرض ثبت می‌شد.

دیوان اقطاع: دیوانی به نام دیوان اقطاع نیز در بین دیوان‌های عصر فاطمی وجود داشت که اختصاص به اقطاع دادن به گروه‌های نظامی از طریق ضمان داشته است. این نظام مالی، جمع آوری خراج و سایر انواع مالیات‌ها را برای فاطمیان تسهیل می‌کرد. اقطاع‌الاعتداد از رسومی بود که ابن طویر آن را مختص به اعراب می‌داند و شامل اطراف و مرزهای سرزمین‌های فاطمیان می‌شد و صد دینار تا ۱۰۰۰ دینار ارزش‌گذاری می‌گردید. در این زمان اقطاع برای نپرداختن حقوق ماهیانه اعراب به رهبر آنها داده می‌شد تا خود وی حقوق اعراب زیر دست خود را پرداخت کند (فؤاد سید، ۱۴۱۳: ۲۸۶).

همچنین خلیفه فاطمی گاهی نیز اراضی عمومی دولت را به عنوان اقطاع استغلال (اجاره‌ای) به برخی خواص و نزدیکانش می‌داد. در این نوع اقطاع، تنها حق بهره‌برداری از درآمد زمین را به ایشان اعطاء می‌کرد (ابن تغری بردی، ۱۹۷۲: ۲۹). با مرگ وی یا پایان یافتن مهلت اقطاع، زمین به خلیفه باز می‌گشت. خلیفه زمین‌های عمومی را نیز برای نزدیکان خود اقطاع می‌کرد (مصطفی مشرفه، ۱۹۴۸: ۱۸۷). اگر خلیفه بر یکی از صاحبان اقطاع خشم می‌گرفت، یا آنان به تعهدات خود در مورد بیت‌المال پای‌بند نمی‌ماندند یا مکان‌های اطراف املاک را بدون اجازه غضب می‌کردند، این اقطاعات ملکی یا اجاره‌ای مصادره می‌گردید (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۰۱، ۲ / ۳۸۶).

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فاطمیان در ایجاد و اداره‌ی ارتش بسیار بزرگ موفق بودند. آنها ارتشی چند قومیتی را سازماندهی کردند؛ اما مدیریت این ارتش چند

قومیتی همراه با تأسیس و تجهیز ناوگان دریایی - که پژوهشی مستقل را می‌طلبد- بیان‌گر توانائی ممتاز آن‌ها در مقایسه با سایر دولت‌های هم عصر خود بود. در طول دوران خلافت در سرزمین مصر تغییرات عمده‌ای در ساختار ارتش و تشکیلات نظامی فاطمی به وجود آمد. در اواخر این دوره نظامی‌گری خلافت بیشتر نمود یافت، به طوری که ارتش تقریباً جوانب دولت و اداره‌ی آن را در بر گرفته بود. براساس یافته‌های این پژوهش با آنکه سپاه خلافت فاطمی در هنگام ورود به مصر ترکیب اجتماعی و نژادی متفاوت از دیگر سرزمین‌های اسلامی داشت؛ اما در هنگام رویارویی با سپاهیان شرقی در شام برتری سپاه شرقی بر سپاهیان قبیله‌ای مشاهده گردید. بدین سان خلافت بر تحول در ساختار ارتش و نیز استخدام نیروهای مزدور از مناطق شرقی همت گماشت. در حقیقت فاطمیان اولین دولتی بودند که سیستم تربیت برده را در مصر ایجاد کردند.

وجود دیوان‌های نظامی در سلسله مراتب اداری، یکی از موارد مهم در بررسی نظام دیوانی خلافت فاطمی می‌باشد. اداره سپاه فاطمی برعهده دیوان‌الجیش و الرواتب و دیوان مجلس بود. در رأس این دیوان کارمند عالی رتبه‌ای بود که همیشه از میان مسلمانان انتخاب می‌شد و اهل ذمه اجازه تصدی این دیوان را نداشتند. این مسئله اهمیت خاص ارتش را در نزد فاطمیان نشان می‌دهد.

در عصر حکمرانی وزیران صاحب شمشیر که با آمدن بدرالجمالی به مصر اتفاق افتاد، وزیران دولت فاطمی از طریق ارتش به قدرت رسیدند. بدین گونه در سلسله مراتب اداری اواخر دولت فاطمی یک وزیر در رأس تشریفات نظامی و کشوری قرار داشت. وی مرزها و محدودیت‌های بین اقتدار داخلی، مذهبی و نظامی را درنوردید و حتی با آن که هیچ کارکرد قضایی نداشت، با لقب قاضی القضاة مورد خطاب قرار می‌گرفت. از لحاظ نظری، قدرت او از خلیفه مشتق می‌شد؛ اما توانایی او برای فعالیت در عرصه‌ی سیاسی وابسته به انتصابش از جانب خلیفه نبود. این موضوع، وزیر را اغلب در جایگاه مخالف خلیفه قرار می‌داد. خلیفه و وزیر در اجتناب از فرو ریختگی ارتش چند قومیتی، علائق یکسانی داشتند و هر دوی آن‌ها می‌دانستند که میزان وفاداری سربازان مزدور مطابق با درک آن‌ها از منافع شخصی‌شان در نوسان است.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن بن ابی الکریم (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م). *الکامل فی التاریخ*، جلد نهم، بیروت: دارالصادر- دار بیروت.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابو المحاسن یوسف (۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م). *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره: المؤسسة المصریة العامه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴). *وفیات الأعیان و أنباء ابناء الزمان*، محقق احسان عباس، قم: منشورات الشریف رضی.
- ابن طویر، ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن حسن قیسرانی (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م). *نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین*، تحقیق ایمن فواد سید، بیروت: دارالصادر.
- ابن ظافر، جمال الدین علی (۱۹۷۲). *اخبار الدول المنقطعة*، تحقیق اندریه فریه، قاهره: مطبوعات المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیة بالقاهره.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (بی تا). *تاریخ ابی الفداء المسمی المختصر فی الاخبار البشری*، تحقیق محمود یوسف، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جمال الدین سرور، محمد (۱۹۷۰). *الدولة الفاطمیة فی مصر؛ سیاستها الداخليه و مظاهر الحضاره فی عهدھا*، قاهره: دارالفکر العربی.
- حمدی المناوی، محمد (۱۹۷۰). *الوزاره والوزراء فی العصر الفاطمی*، قاهره: دارالمعارف بمصر.
- حویری، محمد محمود (۱۹۹۶). *مصر فی العصور الوسطی*، جیزه: عین للدراسات و البحوث الانسانیة والاجتماعیه.
- دعوکور، عرب (۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م). *الدولة الفاطمیة تاریخها السیاسی و الحضاری*، بیروت: دارالمواسم.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۵). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر.
- شهیدی پاک، محمد رضا (۱۳۹۲). *تاریخ تشکیلات در اسلام*، قم: پژوهشگاه بین المللی المصطفی.
- صالح، حسن محمد (بی تا). *التشیع المصری الفاطمی: اشعاع حی و الحضاری: مثنان و عشر سنوات من الابداع الانسانی*، جلد پنجم، بیروت: دارالمحجبة البيضاء.

- طقوش، محمدسهيل (١٤٢٨ق/٢٠٠٧م). تاريخ الفاطميين في شمالي افريقيا و مصر و بلاد شام، چاپ دوم، بيروت: دارالفنانش.
- العبادي، احمد مختار (بي تا). في التاريخ العباسي و الفاطمي، بيروت: دارالنهضة العربية.
- العبادي، احمد مختار، عبدالعزيز سالم (بي تا). تاريخ نيروي دريايي اسلام در مصر و شام، جلد اول، قم: مركز تحقيقات سپاه.
- فؤادسيد، ايمن (١٤١٣). الدولة الفاطمية في مصر، قاهره: الدار المصرية اللبنانية.
- فلقشندی، احمدبن علي (بي تا). صبح الأعشى في صناعة الانشاء، محقق شمس الدين محمدحسين، جلد دوم، بيروت: دارالكتب العلمية.
- مصطفى زياده، محمد (١٩٣٦). «بعضی ملاحظات جديدة في تاريخ دولة المماليك»، مجله كليه الآداب بالقاهرة، ج ٤، الجزء الاول.
- مصطفى مشرفه، عطيه (١٩٤٨). نظم الحكم بمصر في العصر الفاطميين (٣٥٨-٥٦٧ق/٩٦٨-١١٧١م)، قاهره: دارالفكر العربي.
- مقریزی، احمدبن علي (١٤١٨). المواعظ و الاعتبار بذكر خطط والآثار، جلد اول، بيروت: دارالكتب العلمية.
- مقریزی، تقی الدين احمدبن علي بن عبدالقادر (١٤١٦ق/١٩٩٦م). تعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء، تحقيق محمد حلمی محمد احمد، جلد دوم، چاپ دوم، قلیوب- قاهره: مطابع الاهرام التجارية.
- مقریزی، تقی الدين احمدبن علي بن عبدالقادر (١٤٢٢/١٩٩٥م). المواعظ و الاعتبار في ذكر الخطط و الآثار، تحقيق و فهارس ايمن فواد سيد، جلد سوم، لندن: الفرقان التراث الاسلامی.
- ناصر خسرو، ابو معين حميدالدين (١٣٨١). سفرنامه ناصر خسرو، به كوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، تهران: زوار.
- نویری، شهاب الدين احمد بن عبدالوهاب (١٤٢٣). نهاية الارب في فنون الادب، جلد ٢٦، قاهره: دار الكتب و الوثائق القومية.
- Beshir, B. J (1978), "Fatimid Military Organization", *Der Islam* 55, 37-53.
- Hamblin, William (1978), "The Fatimid Army during the Early Crusades", *Ph.D. diss.* Michigan.
- Lev, Yaacov (1991), *State and Society in Fatimid Egypt*, Chapter four: The Ruling Circles, E. J. Brill. Leiden.
- Sanders, Paula (2008), *Ritual, Politics, and the City in Fatimid Cairo*, New York: State University of New York Press.